



**متهم پای میز محاکمه حاضر شد**

## اقرار دوباره به قتل زن آشنا باضربات گوشت کوب

**مردی که متهم است زن آشنایا باضربات گوشت کوب به قتل رسانده بود، روز گذشته محاکمه شد.** به گزارش خبرنگار ما، چهاردهم اسفندماه سال ۹۰ بود که مأموران پلیس ملارد از حادثه خونین زنی جوان در یکی از محله‌های شهر با خبر و در محل حاضر شدند. جسد متعلق به زنی به نام مهسا بود که با اصابت جسم سخت به سرش کشته شده بود. یکی از همسایه‌ها گفت با شنیدن گریه به کودک همسایه وارد خانه شدیم. بوی گاز همه جا را پر کرده بود. ابتدا شیر گاز را بستیم. مشخص بود که یک نفر عمدی شیلنگ گاز را بریده است. هر چه مهسا را صدا زدیم از او خبری نبود. بعد در حمام خانه جسد او را پیدا کردیم.

بعد از انتقال جسد به پزشکی قانونی، تحقیقات برای شناسایی عامل حادثه به جریان افتاد. مأموران پلیس سه ماه بعد از وقوع حادثه به یکی از بستگان مهسا مظنون شدند و او را بازداشت کردند. میلاد ابتدا گفت که از ماجرا خبر ندارد، اما در تحقیقات بعدی به قتل اقرار کرد.

او گفت: من صاحب همسر و فرزند هستم. مدتی قبل از حادثه همراه دختر مورد علاقه‌ام در حال عبور از خیابان بودم که مهسا من را دید. ترسیدم که اگر برویم را ببر، در بنابرین خواستم که ماجرا را به کسی نگویم. روز حادثه با من تماس گرفت و من را به خانه‌اش دعوت کرد. وقتی وارد شدم از من پذیرایی کرد و گفت با پسری به نام نیما دوست بوده که حالا رهایش کرده است.

او از من خواست او را با نیما آشتی دهم و گرنه آبرویم را نزد خانواده‌ام می‌رد. مهسا چند بار تهدید به آبروریزی کرد که عصبانی شدم و با گوشت‌کوبی که آنجا بود، چند ضربه به سرش زدم که کشته شد. بعد جسدش را به حمام منتقل کردم. شیلنگ گاز را هم بریدم تا خانه منفرج شود و راز قتل پنهان بماند که گرفتار پلیس شدم.

میلاد در بازجویی‌های بعدی هم ماجرا را شرح داد و صحنه جرم را بازسازی کرد. او بعد از صدور کیفرخواست، روز گذشته مقابل هیئت قضایی شعبه دهم داد‌گاه کیفری استان تهران محاکمه شد. بعد از اینکه نماینده دادستان میلاد را گناهکار شناخت و برای او درخواست مجازات قانونی کرد، اولیای دم گفتند که خواسته‌شان قصاص است.

سپس میلاد به درخواست قاضی قربان‌زاده در جایگاه قرار گرفت. او گفت اتهام قتل را قبول دارم و همه جزئیات را در مراحل قبلی توضیح داده‌ام. هیئت قضایی بعد از شنیدن آخرین دفاع متهم و وکیل مدافع وی، وارد شور شدند.

### مرگ نصاب جرتقیل بر جی در سقوط از ارتفاع

**مرد جوانی هنگام نصب جرتقیل بر جی در کارگاه پروژه مترو به پایین سقوط کرد و جان باخت.** به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۱۴ دیروز قاضی سعید احمدبیگی، بازپرس ویژه قتل دادرسی جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۱۲ ایوسعیداز سقوط مرگبار مرد جوانی در کارگاه پروژه متروی تقاطع ولیعصر و مولوی باختر و همراه عوامل تشخیص هویت پلیس آگاهی راهی محل شد. باز پرس در محل حادثه با جسد مرد ۲۵ساله‌ای روبه‌رو شدند که بر اثر سقوط از ارتفاع به کام مرگ فتنه بود. بررسی‌ها نشان داد مرد فوت شده در حال نصب جرتقیل برجی (تاور کرین) بوده که بر اثر پاره شدن طناب به پایین سقوط و در جا فوت می‌کند.

همزمان با ادامه تحقیقات جسد به دستور بازپرس احمد بیگی برای انجام آزمایش‌های لازم به پزشکی قانونی فرستاده شد.

### پایان زندگی پسر ناخلف بعد از جنایت پسر ناخلف بعد از قتل پدر و مادرش در شیراز به زندگی خود پایان داد.

این حادثه در منطقه سلطان‌آباد شیراز اتفاق افتاد و پسر جوان بعد از قتل والدین خود با ضربات چاقو به زندگی خودش پایان داد.

بررسی‌ها نشان داد که پسر جوان قبلاً به خاطر اختلاف خانوادگی با والدین خود درگیر بوده است. بررسی‌های بیشتر در جریان است.

# قتل زن سرایدار باشلیک مرد سیاهپوش

## شیاطین پر اید سوار به دام افتادند

**دو مرد شیطان صفت که متهم هستند دختر دانشجو را رسوده و بعد از آزار، اموالش را سرقت کرده‌اند، دستگیر شدند.** به گزارش خبرنگار ما، اوایل اردیبهشت‌ماه اسمال دختر جوانی وحشت‌زده به اداره پلیس رفت و از دو مرد شیطان صفت پر اید سوار به اتهام آدم‌ربایی و آزار واذیت شکایت کرد.

شاکلی در توضیح ماجرا گفت: من دانشجو هستم. ساعتی قبل از خانه‌مان در یکی از خیابان‌های جنوب تهران برای رفتن به دانشگاه بیرون آمدم. داخل خیابان منتظر تاکسیی بودم که بر اید سفید رنگی جلوی من توقف کرد. علاوه بر راننده، مرد جوانی هم به عنوان مسافر در صندلی جلو نشسته بود. پس از گفتن مقصد، سوار خودروی بر اید شدم و راننده شروع به حرکت کرد. پس از طی مسافتی متوجه شدم که راننده غیر از من و مسافر صندلی جلو، مسافر دیگری را سوار خودرواش نمی‌کند. از طرف دیگر به رفتارهای مسافر و راننده مشکوک شدم به همین دلیل از راننده خواستم که مرا پیاده کند که ناگهان مرد مسافر نما خودش را به صندلی عقب رساند و چاقویی به پهلوی گذاشت. او مرا تهدید به مرگ کرد و خواست سکوت کنم. خیلی ترسیدم‌بودم و فهمیدم که آنها مسافر کنی نیستند، اما گمان می‌کردم آنها قصد زورگیری و سرقت اموال مرا دارند به همین خاطر به آنها گفتم که اموالم را بگیرند و مرا رها کنند.وی ادامه داد: دو مرد خشن مرا به خیابان خلوتی در شرق تهران بردند و به زور خواستند تجاوز کنند. وقتی با مقاومت من روبه‌رو شدند، مرا به شدت کتک زدند تا اینکه پس از آزار و اذیت و سرقت اموال مرا از خودرو به داخل خیابانی پرتاب کردند و از محل فریاد می‌زدند، اما من توانستم شماره خودروی بر اید را به خاطرم بسپارم.

پس از طرح این شکایت، پرونده به دستور قاضی سهرایی، بازپرس شعبه نهم دادرسی جنایی در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. نخستین بررسی‌ها نشان داد، صاحب خودرو مرد جوانی به نام اردشیر است. بنابر این مأموران برای بررسی موضوع به محل زندگی اردشیر در جنوب تهران رفتند اما دریافته‌ند، وی پس از حادثه به مکان نامعلومی گریخته است.

در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت، دهم خردادماه مأموران پلیس خودروی اردشیر را در یکی از خیابان‌های پایتخت شناسایی و متوقف کردند. اردشیر پس از دستگیری ابتدا منکر جرم خود و مدعی شد روز حادثه در تهران نبوده است، اما وقتی با شاکلی روبه‌رو شد به آدم‌ربایی و آزار و اذیت با همدستی یکی از دوستانش به نام جابر اعتراف کرد. پس از این مأموران جابر را دستگیر کردند. دو متهم چند روز قبل برای بازجویی به دادرسی جنایی منتقل شدند و مقابل قاضی پرونده به جرم خود اقرار کردند. اردشیر گفت: روز حادثه من و جابر با خودروام در حال دور دور در خیابان بودیم که شاکلی را به عنوان مسافر سوار کردیم. ابتدا قصد آدم‌ربایی نداشتیم، اما در میانه راه شیطان ما را سوسه کرد و شاکلی را بوردیم. جابر هم در بازجویی‌ها حرف‌های همدستش را تأیید کرد. دو متهم برای تحقیقات بیشتر به دستور قاضی سهرایی در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفتند. تحقیقات برای شاکیان احتمالی از دو متهم ادامه دار.



# حواشات

سرویس حوادث ۸۸۴۹۸۴۳۰

فرار است. در حالی که شوکه شده بودم، همسایه‌های دیگر هم به داخل کوچه آمدند که جلوی در شرکت بازگانی با جسد خونین زن و مرد جوانی روبه‌رو شدیم که باشلیک گلوله به شدت زخمی شده بودند. سپس موضوع را به اداره پلیس خبر دادم و یکی از همسایه‌ها هم با اورژانس تماس گرفت.

مدیر شرکت هم در تحقیقات گفت: حدود چهار ماه قبل، این زن و شوهر جوان شهرستانی را به عنوان سرایدار ساختمان شرکت استخدام کردم. آنها هر شب در ساختمان بودند و تا کنون هیچ مشکلی پیش نیاوده بود. وی در ادامه گفت: تا جایی که من اطلاع دارم زن و شوهر جوان با کسی اختلاف نداشتند و نمی‌دانم چرا این اتفاق مرگبار رخ داد.

مرد زخمی هم که به سختی حرف می‌زد، قبل از حادثه به اتاق عمل گفت: چند ماه قبل برای کار این همسرم به تهران آمدم. پس از مدتی در این شرکت به عنوان سرایدار استخدام شدیم. شب حادثه خانه یکی از دوستانم برای شام دعوت بودیم. تا نیمه‌های شب من و همسرم آنجا بودیم تا اینکه تصمیم گرفتیم برای خواب به محل زندگی‌مان بیایم. وقتی

وارد کوچه شدیم متوجه مرد سیاهپوشی شدم که در تاریکی شب، گوشه‌های کمین کرده بود. من و همسرم به سرعت به طرف در شرکت رفتم که ناگهان مرد سیاهپوش که نقاب بر صورت داشت، به طرف ما شلیک کرد. او چند تیر به همسرم زد و او را غرق در خون نقش بر زمین کرد. پس از این، به طرف مرد سیاهپوش ناشناس حمله کردم که به طرف من شلیک کرد. شوهر جوان شهرستانی را به عنوان سرایدار ساختمان شرکت استخدام کردم. آنها هر شب در ساختمان بودند و تا کنون هیچ مشکلی پیش نیاوده بود. وی در ادامه گفت: تا جایی که من اطلاع دارم زن و شوهر جوان با کسی اختلاف نداشتند و نمی‌دانم چرا این اتفاق مرگبار رخ داد.

مرد زخمی هم که به سختی حرف می‌زد، قبل از حادثه به اتاق عمل گفت: چند ماه قبل برای کار این همسرم به تهران آمدم. پس از مدتی در این شرکت به عنوان سرایدار استخدام شدیم. شب حادثه خانه یکی از دوستانم برای شام دعوت بودیم. تا نیمه‌های شب من و همسرم آنجا بودیم تا اینکه تصمیم گرفتیم برای خواب به محل زندگی‌مان بیایم. وقتی

## اقرار به آتش افروزی مرد مزاحم



مشترک اجاره کرده است. تحقیقات نامحسوس کارآگاهان برای بازداشت این دو ادامه داشت تا اینکه ساعت ۲۲ و ۳۰ دقیقه دهم خردادماه در حالی که آنها برای برداشت اوراق شناسایی وارد خانه‌شان در باقرآباد محدوده خیابان پوردرایی شده بودند، بازداشت شدند. عزیز و سمیه هر چند در اولین بازجویی‌ها گفتند که از ماجرا خبر ندارند، اما سرانجام سمیه روز گذشته قتل سکوت را شکست و حادثه را شرح داد.

او گفت مدتی قبل در تدارک و تهیه چیزی به بودم. به خاطر اینکه وضع مالی خوبی نداشتیم از طریق بستگان با ناصر که وضع مالی خوبی داشت و هموطن من بود، آشنا شدم. ناصر هم ۲۰ میلیون تومان به من کمک کرد و توانستم بخشی از چیزی به او تهیه کنم. بعد از خرید چیزی به بود که مقول به من پیشنهاد ازدواج داد. اواصر کرد تا از شوهرم طلاق بگیرم و با او ازدواج کنم. وقتی اصرارهای او زیاد شد، ماجرا را به شوهرم گفتم و خواستم هر طور شده ۲۰ میلیون تومان تهیه کند تا پول

## تلاش برای فروش خانه مردم ناکام ماند



شد که وکالت فروش در یکی از دفاتر رسمی شهرستان قلمشهر انجام شده است. تحقیقات نشان نشان داد که همه اوراق ارائه شده به این دفتر خانه جعلی است. در شاخه دیگری از تحقیقات هم مشخص شد سفارش دهنده آگهی مردی ۵۰ساله با نام معرفی مرتب با جعل، کلاهبرداری و صدور چک بلامحل دستگیر و روانه زندان شده بود. وقتی مهدی، محمدعلی را شناسایی کرد، محلی زندگی او در خیابان ۱۷ شهرویر شناسایی و سرانجام بازداشت شد. محمدعلی وقتی مورد تحقیق قرار گرفت به کلاهبرداری اقرار کرد و با اقرار گفت: بعد از شناسایی خانه خالی

### مرگ غم انگیز دختر دانش آموز در مدرسه

**دختر ۱۶ساله‌ای پس از امتحان درس ادبیات فارسی در سرویس بهداشتی دبیرستان با طناب دار به زندگی‌اش پایان داد. تحقیقات برای روشن شدن علت حادثه ادامه دارد.**

به گزارش خبرنگار ما، عصر دیروز مأموران کلانتری ۱۳۴ شهرک غرب در جریان مرگ مشکوک دختر جوانی در یکی از مدارس شهرک غرب قرار گرفتند و برای بررسی موضوع، راهی محل حادثه شدند. مأموران در سرویس بهداشتی مدرسه با جسد حلق‌آویز دختر ۱۶ساله‌ای روبه‌رو شدند که حکایت از آن داشت لحظاتی قبل به زندگی‌اش پایان داده است. با اعلام این خبر قاضی سعید احمد بیگی، بازپرس ویژه قتل دادرسی جنایی همراه کارآگاهان پلیس آگاهی در محل به تحقیق پرداخت. بررسی‌ها نشان داد دختر فوت شده کلاس دوم دبیرستان بوده که ساعتی قبل برای امتحان درس ادبیات فارسی به دبیرستان آمده است. همچنین مشخص شد وی پس از امتحان از کلاس خارج شده بود تا اینکه دقایقی قبل دوستاتش با جسد حلق‌آویزش در داخل سرویس بهداشتی روبه‌رو می‌شوند. همزمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه جسد دختر ۱۶ساله برای انجام آزمایش‌های لازم به پزشکی قانونی فرستاده شد.

### خوش شاشی راننده پر اید

**راننده خوش اقبالی در عسلویه بوشهر از مرگ حتمی نجات یافت.**

رئیس پلیس راهور استان بوشهر گفت: حوالی ساعت ۹ صبح دیروز، راننده یک پر اید در حالی که داخل خودرو نشسته بود و آن را کنار جاده در سه راه پتروشیمی واقع در عسلویه پارک کرده بود، ناگهان سراز زیر کامیون تانکر آب در آورد. سرهنگ قدرت‌الله کشکولی افزود: این کامیون در حال دور زدن به علت رعایت نکردن فاصله عرضی، پر اید را نندید و آن را زیر کرد.

به گفته وی این تصادف خسارت جانی نداشت.

### زخمی شدن محیط‌بان بویر احمدی باشلیک شکارچی غیر مجاز

**محیط‌بان بویر احمدی با شلیک گلوله شکارچی غیر مجاز مجروح و روانه بیمارستان شد.** صبح روز یک‌شنبه، ۱۶ خردادماه، محیط‌بان شهرستان بویراحمد با شنیدن صدای گلوله از منطقه حفاظت شده دنای شرقی خود را به محل رساندند. آنها بعد از چند ساعت گشت‌زنی، شکارچی غیر مجاز را که برای شکار کمین کرده بود، شناسایی کردند و برای بازداشت وی وارد عمل شدند. شکارچی غیرمجاز وقتی از حضور محیط‌بانان با خبر شد، اسلحه کشید و به سمت محیط‌بانان تیراندازی کرد که در جریان آن یکی از محیط‌بانان از ناحیه پا هدف قرار گرفت و زخمی شد و شکارچی غیرمجاز از محل گریخت.

کامییز حسین پور، رئیس اداره محیط‌ز یست شهرستان بویراحمد گفت: محیط‌بان مجروح که علی‌آرامش فر نام دارد، در بیمارستان شهید بهشتی یاسوج تحت مراقبت‌های پزشکی قرار دارد. وی ادامه داد شکارچی غیرمجاز که از مجرمان سابقه‌دار است، شناسایی شد و تلاش برای بازداشت وی در جریان است.



### باشگاه خصوصی جرائم مواد مخدر

یکی از موارد اختلاف در پرونده‌های مواد مخدر بحث تعیین میزان خلوص مواد مخدر است؛ مواد مخدری که به دست مردم می‌رسد، معمولاً از نوع خلوص نیست و با مواد دیگر مخلوط شده است، در صورتی که برای دادن حکم قضایی، باید میزان خلوص در نظر گرفته شود، مثلاً طبق قانون نگهداشتن ۳۱ گرم هروئین مجازات اعدام دارد. بنابر این گاهی در نظر گرفتن این مسئله موجب نقض رأی در دادستانی کل دیوان کشور می‌شود.

نکته دیگر اینکه حضور وکیل در جرائمی که مجازاتشان حبس ابد و اعدام است، الزامی است و قانون حضور وکیل برای هر متهم را لازم دانسته، اما گاهی دادگاه‌ها برای سرعت بخشیدن به رسیدگی پرونده‌ها به حضور یک وکیل برای چند متهم اقدام می‌کنند که این مسئله نیز می‌تواند موجب نقض رأی در دیوان عالی کشور شود. یکی دیگر از مواردی که مورد اختلاف است، بحث نگهداری به قصد فروش است. دادگاه‌ها معمولاً تصور می‌کنند، وقتی متهمی سابقه‌دار است، مواد را برای فروش نگه داشته و می‌تواند به مجازات فروش محکوم شود، ولی اگر هم نگهداری به قصد فروش باشد، چون فروش صورت نگرفته، باید براساس نگهداری مواد مخدر برای آن مجازات تعیین شود.

بحث دیگر این است که ممکن است کسی در دفعات متعدد، مرتکب جرم نگهداری مواد شود، مثلاً ۲۰ بار و هر بار دو گرم هروئین نگه دارد. در اینجا نمی‌توان فرد را به نگهداری ۴۰ گرم محکوم کرد، اگر در یک مرحله از کسی انواع موادمخدر کشف شود، آنجا می‌توان مواد را جمع کرد ولی اگر در چند دفعه اقدام کرده، نمی‌توان میزان مواد را با هم جمع کرد.